

معرفی دایرةالمعارف جودائیکا

حسین سلیمانی

Decennial & Vols Encyclopaedia Judaica (17
Book 1992-1983

Jerusalem, Israel Encyclopaedia Judaica
Corrected ed. 1996

اشاره

دایرةالمعارف جودائیکا Encyclopaedia Judaica یک اثر بسیار مهم یهودی است که انتشار آن از چند دهه پیش آغاز شده است. این اثر حاصل سال‌ها کار فشرده و متمرکز پژوهندگانی یهودی از سراسر جهان است و تصویری جامع از تمام جنبه‌های زندگی و دانش یهودی تا روزگار حاضر ارائه می‌کند. پدیدآورندگان دایرةالمعارف یهودیان و غیریهودیان، هر دو، را مخاطب این مجموعه می‌دانند. در این نوشتار، ابتدا ساختار و پیشینه دایرةالمعارف و سپس، برای آشنایی بیشتر، چند نمونه از مدخل‌های آن به اختصار معرفی شده است.

بخش نخست: آشنایی با ساختار دایرةالمعارف

در جلد نخست دایرةالمعارف جودائیکا (Index)، اطلاعات جامعی درباره شکل‌گیری این دایرةالمعارف، محتویات آن، چگونگی رجوع به مدخل‌های آن و نیز اطلاعات ضرور دیگر آمده است. در این جا، فشرده‌ای از این مطالب را مطرح می‌کنیم.

پیشینه دایرةالمعارف نویسی یهودی

سابقه دایرةالمعارف نویسی یهودی، به معنای نوین آن، به سال‌های آغازین سده بیستم برمی‌گردد. نخستین اثر کامل در این زمینه، دایرةالمعارف یهودی

(Jewish Encyclopedia)

است که در آغاز این سده، در نیویورک، به زبان انگلیسی منتشر شد. (آخرین جلد این اثر، یعنی جلد دوازدهم، در سال 1906 انتشار یافت.) وضعیت جهان یهودیت و معارف یهودی در این اثر پیشگام گردآوری شد. با وجود این، برخی از جنبه‌ها در این اثر نادیده گرفته شد و یا کم‌اهمیت جلوه داده شد، مثل جهان یهودیت اروپای شرقی، قباله و حسیدیسم،⁽¹⁾ زبان و ادبیات ییدیش،⁽²⁾ و زندگی و فرهنگ یهودیان در سرزمین‌های اسلامی. با این همه، این اثر یک دستاورد ماندگار و بی‌سابقه بود که از بسیاری از مدخل‌های آن در دایرةالمعارف‌های بعدی استفاده شده است.

دایرةالمعارف یهودی روسی Yevreyskaya Entsiklopediya نیز پیش از جنگ جهانی اول در شانزدهم جلد منتشر شد. این اثر دارای طرح و ویراست‌خوبی بود و به ویژه درباره موضوعات مربوط به یهودیت اروپای شرقی اطلاعات جالبی ارائه می‌کرد.

دایرةالمعارف ده جلدی عبری اوتصریسرائل Ozar Yisrael در سال 1924 به دست جی. دی. آیزنشتاین⁽³⁾ منتشر شد. این اثر با این که محدودتر و کوچکتر از کارهای پیشین بود، در برخی حوزهها اطلاعات مفیدی را در اختیار می‌نهاد.

پس از جنگ جهانی اول، به هنگام رواج دوباره تعالیم یهودی در آلمان، یاکوب کلاتزکین،⁽⁴⁾ ایسمار البوگن⁽⁵⁾ و ناحوم گلدمان⁽⁶⁾ دایرةالمعارف جدیدی به زبان آلمانی تدوین کردند. این اثر در پی آن بود که نتایج تحقیقات و رهیافت‌های عقلی دوره فترت و توقف را منعکس کرده، نواقص دایرةالمعارف یهودی را نیز برطرف کند. این اثر، که دایرةالمعارف جودائیکا نام گرفت، پیشرفت خوبی داشت، گرچه در زمان به قدرت رسیدن نازی‌ها در آلمان، با موانع و مشکلات روبه‌رو شد. ده جلد از این اثر (تا پایان حرف L) منتشر شد و پس از آن، انتشار این اثر مهم یهودی متوقف شد. دو جلد از ترجمه عبری آن، به نام دایرةالمعارف اشکول Eschkol، نیز منتشر شد ولی ادامه نیافت. همچنین باید یاد کرد از اثر پنج جلدی فرهنگ یهودی (Juedisches lexikon)

که در سال‌های 1927 تا 1930 به ویرایش جورج هرلیتص⁽⁷⁾ و برونو کرشنر⁽⁸⁾ منتشر شد. این اثر مختصر برای مطالعات یهودی مفید بود.

در سال‌های نخست جنگ جهانی دوم (1939-1943)، دایرةالمعارف جامع یهودی (Universal Jewish Encyclopedia)

به ویراستاری آیزاک لندمن⁽⁹⁾ در ده جلد در ایالات متحده منتشر شد. این اثر نشانه اهمیت روزافزون یهودیت در آمریکا بود و به دستاوردهای غیریهودی، به ویژه در تاریخ یهودیت آمریکا، اهمیت می‌داد. این اثر مزایای خوبی داشت، ولی کاری بی‌عیب و نقص نبود. افزون بر این، در دوران تدوین آن، تغییرات مهمی رخ داد، و از این رو، از سودمندی آن کاسته شد. همین اثر، اساس یک دایرةالمعارف ده جلدی به زبان اسپانیولی به نام دایرةالمعارف یهودی کاستلانا (Encyclopaedia Judaica Castellana)

قرار گرفت که در سال‌های 1948 تا 1951 در مکزیکوسیتی به چاپ رسید. دستاورد عمده این اثر عبارت بود از مدخل‌های مربوط به رشد یهودیت در آمریکای لاتین.

پس از استقرار دولت اسرائیل، شرکت انتشاراتی مسادا،⁽¹⁰⁾ به سرپرستی خانواده پلی،⁽¹¹⁾ در اورشلیم به انتشار دایرةالمعارف هبرائیکا

(Encyclopaedia Hebraica)

به زبان عبری اقدام کرد. این اثر نخستین دایرةالمعارف عمومی و جامع به زبان عبری است و بر جنبه‌های مختلف یهودیت تاکید دارد.

گسترش دایرةالمعارف جودائیکا

به مدت چندین سال، به ویژه از زمان وقایع مهم و ناگهانی در تاریخ یهودیت در دهه 1940، خلا یک دایره‌المعارف یهودی کاملاً جدید، به ویژه به زبان انگلیسی برای یهودیان انگلیسی‌زبان، که تقریباً نیمی از یهودیان جهان را تشکیل می‌دادند، احساس می‌شد. وانگهی، حمله و فشار نازی‌ها بازماندگان گروه تدوین و ویرایش دایره‌المعارف جودائیکای آلمانی را نومید نکرد و ایشان مصمم بودند که کار ناتمام انتشار این اثر را به پایان رسانند. با این همه، ایشان می‌دانستند که در این دوران، فقط اندکی از یهودیان می‌توانند از یک اثر آلمانی استفاده کنند، و لذا ضرور دانستند که در این زمینه به تدوین اثری به زبان انگلیسی دست‌یازند. دکتر ناحوم گلدمان، آخرین بازمانده فعال گروه اصلی ویرایش دایره‌المعارف آلمانی، اشتیاق وافری به این کار داشت.

از این رو، در اواخر دهه 1950 دو طرح پیشنهاد شد: یکی تکمیل دایره‌المعارف جودائیکای پیشین، و دیگری، انتشار یک دایره‌المعارف جدید به زبان انگلیسی. این دو طرح سرانجام درهم ادغام شد. در عین حال، ناشران دایره‌المعارف هبرائیکا درصدد بودند که این اثر را به زبان انگلیسی عرضه کنند. مجموعه این تمایلات، باعث انتشار دایره‌المعارف جودائیکا به زبان انگلیسی شد.

در نخستین دوره کار، که در ایالات متحده انجام می‌شد، پرفسور بنتسیون نتانیا هو،⁽¹²⁾ ویراستار آن زمان دایره‌المعارف هبرائیکا، سمت سرویراستاری را عهده‌دار شد. دفتر اصلی ویرایش در سال 1963 در فیلادلفیا دایر شد. در سال 1965، پرفسور نتانیا هو از این سمت کناره‌گرفت و متعاقب آن، مرکز ویراستاری به اورشلیم منتقل شد. اورشلیم در این زمان، مرکز بی‌رقیب مطالعات یهودی در جهان بود و بزرگ‌ترین محققان یهودی، از جمله پرفسور سسیل روث،⁽¹³⁾ سرویراستار جدید این اثر، در این شهر اقامت داشتند.

در سال 1967، کار با جدیت آغاز شد و پنج‌سال برای تکمیل آن در نظر گرفته شد. برای این که کار در زمان مقرر به پایان برسد، بنا شد که تقسیمات هرچه جزئی‌تر شود تا ویراستاران و نویسندگان بیشتری به آن پردازند. محتوای دایره‌المعارف به بیست‌بخش اصلی و هر بخش نیز خود به بخش‌های فرعی‌ای تقسیم شد. برخی از بخش‌ها دو یا سه قسمت داشتند، ولی برخی دیگر دارای قسمت‌های بیشتری بودند؛ مثلاً بخش تاریخ 35 قسمت داشت و بخش مشارکت یهودیان در فرهنگ جهان دارای بیش از هفتاد قسمت بود. پرفسور سسیل روث، سرویراستار دایره‌المعارف در سال‌های 1965 تا 1970.

دکتر گئوفری ویگودر⁽¹⁴⁾ به سمت جانشین سرویراستار منصوب شد و هر دستیار ویراستاری چند بخش را سرپرستی می‌کرد. گروه ویراستاری عبارت بود از دستیاران ویراستار، یعنی پرفسور لوئیس رابینوویچ،⁽¹⁵⁾ پرفسور رافائل پاسنر،⁽¹⁶⁾ دکتر بنیامین الیوا،⁽¹⁷⁾ و سیمحا کتز،⁽¹⁸⁾ به همراه سرویراستار و جانشین او. پس از مرگ پرفسور روث در سال 1970، دکتر ویگودور سرپرست گروه ویراستاری شد و رابینوویچ و پاسنر معاون سرویراستار شدند. سرپرست دایره نیویورک دکتر فردریک لاکمن⁽¹⁹⁾ بود. گستره کار را این امر روشن می‌کند که به جز 300 ویراستار و 1800 نویسنده، 150 کارمند نیز به کار گماشته شدند، و تازه این پیش از مراحل چاپ و صحافی بود. همواره یافتن متخصصان مورد نیاز، کاری ساده نبود و در برخی

موارد لازم بود که افرادی برای انجام کار تعلیم ببینند. کار چاپ زیر نظر بیتصحاق ریشین،⁽²⁰⁾ سرپرست شرکت انتشاراتی کتر⁽²¹⁾ و شرکت برنامه اسرائیل برای ترجمه‌های علمی⁽²²⁾ بود.

قلمرو نوین دایره‌المعارف

به خاطر رویدادهای بی‌سابقه قرن بیستم، ممکن نیست که یک دایره‌المعارف یهودی فقط به روزآمد کردن دایره‌المعارف‌های پیشین بسنده کند. امروزه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و در واقع جهانی نوینی پدیدار شده است که کار جدیدی را می‌طلبد. برخی از این حوزه‌ها بدین‌قرارند:

1. رشد مطالعه و تحقیق: در زمان طرح‌ریزی دایره‌المعارف یهودی، آنچه «دانش یهودیت» نامیده می‌شد، فقط سه ربع قرن سابقه فعالیت داشت. در طی سه ربع قرن پس از آن، تحقیقات متمرکز و فشرده‌ای در تمام شاخه‌های مطالعات یهودی انجام شد. در سال 1900 فقط سه مجله علمی یهودی وجود داشت؛ اکنون بسیار بیش از این مقدار فقط به زبان عبری منتشر می‌شود.

2. اکتشافات نوین: گذشته از پیشرفت در زمینه تحقیقات، دستاوردهای نوینی نیز در زمینه مطالعات یهودی حاصل شد که برخی از آنها تاریخ‌ساز شدند. سه نمونه را ذکر می‌کنیم:

الف) تا نیم قرن پیش، درباره تاریخ عبرانیان در دوران کتاب مقدس فقط چند سند اصیل شناخته شده بود؛ اما امروزه، در اثر کشفیاتی که در خاور میانه صورت گرفته، مجموعه چشمگیری از این اطلاعات در دسترس است.

و اسناد صحرای یهودیه،⁽²⁴⁾ از سال 1947 به بعد، مجموعه کاملی از آثار دینی و غیردینی اواخر دوره معبد دوم و دوره بعد در دسترس پژوهشگران قرار گرفت، و حال آن که پیش از آن، فقط یک سند اصلی وجود داشت. این کشفیات اوضاع آن دوره را بسیار روشن کرد و افزون بر این، دست‌نوشته‌هایی از کتاب مقدس را در اختیار نهاد که حدوداً هزار سال از نسخه‌هایی که پیش‌تر شناخته شده بودند، قدیم‌تر بودند.

ج) پیش از این کشفیات نیز، کشف اسناد گنیزه (گنجینه) قاهره⁽²⁵⁾ به ویژه به دست سلیمان شختر،⁽²⁶⁾ تاریخ و ادبیات یهودیان در جهان اسلام در دوره گائونی⁽²⁷⁾ را روشن کرده بود. همچنین تعداد بسیاری از متون و آثار اصلی که تا آن زمان ناشناخته بود، به دست نویسندگان مکتب یهودی - عربی⁽²⁸⁾ عرضه شد. از این اصطلاحات عمدتاً در دایره‌المعارف‌های پیشین یهودی استفاده شده بود، ولی تحقیقات بعدی درباره آن، می‌بایست در این زمان، در کتب مرجع یهودی می‌آمد.

3. چشم‌اندازهای علمی نوین: چشم‌اندازهای تحقیقی به‌ناگزیر نسل به نسل تغییر می‌یابد. تا سه ربع قرن پیش، در تحقیقات جدی علمی، تاریخ اجتماعی و اقتصادی چندان مهم تلقی نمی‌شد، اما امروزه این موضوع جایگاهی ویژه در تحقیقات تاریخی دارد. در طی بیست سال پیش از انتشار این اثر، مطالعه درباره یهودیت معاصر در مراکز تحقیقی گوناگون رشد و توسعه یافت و یافته‌های آن، که درک نوینی از جهان هودیت به دست می‌داد، در این دایره‌المعارف گنجانده شده است. در اثر این مطالعات، اهمیت زیاد یهودیت اروپای شرقی در تاریخ یهودیت روشن‌تر شد و از این رو، به نحو جامع‌تری، هم در گستره و هم در عمق، بدان

پرداخته شد. در دایرةالمعارف‌های پیشین به اوضاع یهودیان در سرزمین‌های اسلامی پس از قرون وسطا، کم‌تر توجه شده بود؛ در این اثر به این زمینه نیز پرداخته شد. اثر پرفسور گرشوم شولم⁽²⁹⁾ چشم‌اندازهای جدیدی بر عرفان یهودی گشود. شریعت‌یهودی موضوعی مستقل تلقی شد. (این موضوع در دایرةالمعارف‌های پیشین، بخشی از تلمود یا ادبیات حاخامی⁽³⁰⁾ بود.) در این اثر برای نخستین بار جنبه‌های قضایی شریعت‌یهودی تحلیل شده است. زمینه‌های دیگری که بدانها پرداخته شد، زبان و ادبیات ییدیش، هنر یهودی، موزه‌ها، هنرمندان، به همراه اطلاعات مکمل تصویری است.

4. مناطق جدید: در آغاز قرن بیستم، یهودیان عمدتاً، مانند سده‌های پیشین، در اروپا و در حوزه دریای مدیترانه می‌زیستند. در ایالات متحده به‌تازگی جمعی یهودی گرد آمده بودند. امروزه نقشه جهان یهودیت بسیار تغییر یافته است. سه چهارم از یهودیان در مناطق دارای اهمیت زندگی می‌کنند. نیمی از یهودیان جهان اکنون در آمریکا و کشورهای انگلیسی‌زبان (کانادا، آفریقای جنوبی و استرالیا) متمرکزند. در کشورهای اسپانیولی و پرتغالی‌زبان آمریکای لاتین نیز یهودیان رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. امروزه حکومت اسرائیل پایگاه مهم یهودیان است.

وقایع مهم قرن بیستم

در قرن بیستم، حوادث مهمی برای یهودیان پیش آمد که بر این قوم تاثیر بسیار گذاشت. این دایرةالمعارف به این امور اهتمامی خاص ورزیده است.

الف) ظهور ضدیت نژادپرستانه با یهود⁽³¹⁾ و هالاکاست (سوزاندن یهودیان در دوره نازی‌ها).⁽³²⁾ در زمان نازی‌ها در آلمان یهودستیزی به اوج خود رسید. این رویداد موجب شد که اهمیت و تفوق یهودیت اروپایی به پایان برسد. این دایرةالمعارف به طور کامل به این موضوع پرداخته است: به جز مدخل هالاکاست (Holocaust) و مدخل‌های وابسته، در مدخل‌های دیگر مربوط به جوامع و کشورهایی که این رخداد در آنها اثر داشته است، نیز بخش‌های ویژه‌ای به این امر اختصاص یافته است.

ب) صهیونیسم. در قرن بیستم، جنبش صهیونیسم گسترش یافت و به استقرار دولت اسرائیل (در سرزمین فلسطین) در سال 1948 انجامید. این امر تاثیر مهمی بر یهودیت گذاشت و این دایرةالمعارف نیز در چارچوب چشم‌اندازهای این پیشامدها نگاشته شده است. صهیونیسم، در این اثر، محور زندگی و فعالیت‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یهودیان است. برای مثال، در مدخل «اسرائیل» در هنگام بیان جغرافیا و تاریخ این دولت، و هنگام تاکید بر زبان و ادبیات نوین عبری، یا در مدخل‌های مربوط به شریعت و حقوق یهودی و اعمال آنها در دولت اسرائیل، این رویکرد مشخص است.

تصویرها

یکی از ویژگی‌های ممتاز این دایرةالمعارف، در مقایسه با دایرةالمعارف‌های پیشین، گزینش، تعداد و کیفیت اطلاعات تصویری آن است. برای این منظور، آرشیوی از 25/000 عکس گردآوری و از این میان، 8000

تصویر برای دایرةالمعارف انتخاب شده است. این تصاویر معمولاً تکمیل کننده اطلاعات مکتوباند؛ به ویژه وجود چند صدعکس رنگی، موجب بازآفرینی روشن و دقیق بسیاری از شاهکارهای هنر یهودی شده است. به نقشه‌ها، نمودارها و جدول‌ها توجهی خاص مبذول شده است. بسیاری از این اطلاعات تصویری روشننگر اطلاعات مربوط به مدخل‌هایند، و نیز آمارها و اطلاعات تکمیلی را در اختیار می‌نهند. برای مثال، نقشه هر کشوری پراکندگی یهودیان را نشان می‌دهد، که اغلب هم درباره پیشینه تاریخی و هم مربوط به زمان حاضر است.

طراحی جلد دایرةالمعارف کاری است از طراح انگلیسی، ابرام جیمز،⁽³³⁾ در شکل یک شمعدان menorah، که این آیه از کتاب اشعیا را به زبان عبری و انگلیسی دربردارد: «بیاید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برآییم تا طریق‌های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه‌های وی سلوک نماییم؛ زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد» (اشعیا، 2: 3). این آیه به نحوی روی جلد کتاب آمده است که سه کلمه «خداوند» Lord، «صهیون» Zion، و «اورشلیم» Jerusalem به‌گونه‌ای بارز در عطف کتاب جای گرفته است.

فهرست راهنما

یکی از ویژگی‌های مهم این دایرةالمعارف فهرست راهنمای مبسوط آن، با ویرایش پرفسور پاسنر است. با استفاده از این فهرست به راحتی می‌توان به هر مطلبی مراجعه کرد. این فهرست 25/000 موضوع را در اختیار خواننده می‌نهد، که به کمک آن می‌توان به حدود دویست‌هزار موضوع دست یافت، و خواننده درمی‌یابد که حتی در مورد عنوان‌هایی که مدخل مستقل ندارند، در کجا می‌تواند اطلاعات کسب کند. افزون بر این، خواننده می‌تواند تمام جنبه‌های یک موضوع را در دایرةالمعارف بیابد؛ برای مثال، اگر او در پی اطلاعاتی درباره ابن میمون است، نه تنها مدخل گسترده‌ای درباره وی خواهد یافت، بلکه در بیش از ده‌ها مدخل دیگر (مثل مدخل‌های مربوط به ربیع یهودی، فلسفه، پزشکی، ارسطو، ابن سینا) اطلاعات جامع و کامل تری درباره آثار و اندیشه ابن میمون در دسترس او خواهد بود.

به لحاظ اهمیت این فهرست و نقش کلیدی آن در یافتن مدخل‌ها و اطلاعات لازم، جلد اول دایرةالمعارف به آن اختصاص یافته است. تصاویر را نیز می‌توان با مراجعه به این فهرست یافت.

اصول گزینش مدخل‌ها

یکی از امور مشکل در تدوین دایرةالمعارف تصمیم در مورد این امر است که کدام مدخل در دایرةالمعارف گنجانده شود و کدام گنجانده نشود، و این مشکلی بود فراراه ویراستاران این اثر.

در برخی مدخل‌های راجع به زندگی‌نامه، در برخی موارد، مشکل این بود که چه کسی یهودی است. اصل نخستی که پذیرفته شد، این بود که هر که یهودی متولد شده است، یهودی است، حتی اگر بعدها تغییر کیش داده باشد. اصل دوم این بود که شخصی را که والدین یهودی دارد، می‌توان به عنوان یهودی در دایرةالمعارف آورد.

برخی از غیریهودیان نیز موضوع مدخل‌ها قرار گرفتند، زیرا با فرهنگ یا زندگی یهودی ارتباط داشتند. برای پرهیز از اشتباه، در ابتدای مدخل پیش از نام آنان علامت آمده است. نمونه‌هایی از مدخل‌هایی از این دست عبارت‌اند از: در زمینه تاریخ (اسکندر کبیر، ناپلئون، بالفور، استالین و... .)، در زمینه فلسفه و اندیشه (ارسطو، ابن‌سینا، کانت و... .)، در زمینه ادبیات (دانته، شکسپیر، گوته و... .). در این مدخل‌ها به آن جنبه این اشخاص که با زندگی و اندیشه یهودی مرتبط است، پرداخته شده است و خواننده برای دریافت اطلاعات کامل در جنبه‌های دیگر شخصیت ایشان، باید به دایرةالمعارف‌های عمومی مراجعه کند.

مدخل‌های فشرده

برای گسترده کردن حوزه مدخل‌های راجع به زندگی‌نامه‌ها، در پی مدخل‌های اصلی در بسیاری از موضوعات، فهرستی از یهودیانی که در آن زمینه متمایزند، آمده است، مثل مدخل‌های هنر Art، پزشکی Medicine و... . اگر افراد مذکور، خود موضوع مدخلی مستقل باشند، فقط نامشان به همراه ستاره (x) ذکر شده و در بقیه موارد، یک زندگی‌نامه فشرده، حاوی اطلاعات مهمی درباره شخص مورد اشاره، آمده است. هر زندگی‌نامه فشرده در فهرست راهنما یک مدخل دارد.

بخش کتاب مقدس

تدوین‌کنندگان دایرةالمعارف درباره بخش مربوط به کتاب مقدس Bible با مشکلات ویژه‌ای روبه‌رو بودند؛ چرا که در این زمینه دیدگاه‌های بسیار متفاوت و حتی کاملاً متضاد وجود داشت. تهیه‌کنندگان این اثر معتقد بودند که دایرةالمعارفی که برای انعکاس تمام جنبه‌های اطلاعات مربوط به فرهنگ یهودی طراحی شده است، باید در حوزه کتاب مقدس، تمام دیدگاه‌ها، از سنتی‌ترین تا انتقادی‌ترین آنها، را به خوانندگان عرضه کند. از این جهت، کوشیدند تا همه دیدگاه‌ها را در این باره بیاورند. یک مدخل ممکن است به سوی یک دیدگاه خاص گرایش داشته باشد، اما کل بخش مربوط به این حوزه، تلاشی است برای عرضه تمامی جنبه‌ها و دیدگاه‌ها.

مدخل‌های کتاب مقدس را دانشمندان ممتاز این رشته نوشته‌اند و تدوینگران این اثر معتقدند که از این جهت دارای جامعیت و گستردگی‌ای است که در هیچ دایرةالمعارفی، جز دایرةالمعارف‌های تخصصی کتاب مقدس، نمی‌توان نمونه‌اش را یافت. به همراه اطلاعات و رویکردهای سنتی، آخرین تحقیقات درباره خاورمیانه باستان و شیوه‌های زندگی و اندیشه و زبان این منطقه نیز آمده است.

ارجاعات و واژه‌نامه

برای این که از تکرارهای ناضرور در دایرةالمعارف پیش‌گیری شود، برای آن شیوه ارجاعات را در نظر گرفتند. ارجاع در این اثر به دو شیوه انجام شده است: خست‌با بیان مستقیم: «بنگرید به...» See... ، که به مدخل‌هایی اشاره دارد که مشتمل بر اطلاعات اضافی‌اند و مستقیماً به مدخل فوق مربوط‌اند؛ شیوه دوم استفاده از ستاره (x) است که در ضمن سخن، کنار واژه موردنظر قرار گرفته است. مثلاً اگر در عبارتی

«ابراهیم⁽³⁴⁾ ابن عزرا» آمده باشد، نشان این است که اطلاعات بیشتر را باید در مدخل «ابن عزرا» پی گرفت.

در مواردی که به ناچار اسامی عبری و واژه‌های تخصصی آمده است، برای جلوگیری از پیچیده و دست و پاگیر شدن بحث، از شیوه ارجاع استفاده شده است. با این همه، یک واژه‌نامه از اصطلاحات عبری و نام‌های خاص مکرر در اول هر جلد آمده است.

آوانویسی

برای آوانویسی کلمه‌های عبری، یک شیوه ساده‌شده پذیرفته شد که در جلد نخست دایرةالمعارف (ص 90) آمده است. در برخی موارد، چاره‌ای از عدول از این شیوه نبود؛ مثلاً در بخش‌های مربوط به زبان عبری و سامی، به نظر می‌رسید که شیوه ساده‌شده فوق کافی نباشد؛ از این رو، در این موارد از شیوه فرهنگستان زبان عبری⁽³⁵⁾ استفاده شد که در جلد اول این اثر (ص 90) ذکر شده است. با این همه، برای این که این کار به ناهمگونی در نام‌های خاص نینجامد، در این مدخل‌ها نیز برای نام‌ها از شیوه اصلی دایرةالمعارف استفاده شد.

افزون بر این، در بخش کتاب مقدس نیز، به لحاظ تفاوت‌های ظریفی که وجود داشت، تغییرات اندکی در آوانویسی انجام شد، که در جلد اول (ص 90) بیان شده است.

در مواردی چند، واژه‌های عبری، جزئی از زبان انگلیسی شده‌اند و املا و تلفظ آنها استاندارد شده است. در این موارد، این واژه‌ها را در این اثر انگلیسی شمرده‌اند و برای املا و تلفظ آنها از واژه‌نامه جدید بین‌المللی وبستر،⁽³⁶⁾ ویراست سوم، استفاده شده است.

آوانوشت زبان‌های دیگر، مثل عربی، ییدیش، یونانی و روسی نیز در جلد یکم این اثر (ص 91-92) آمده است.

در سبک نگارش نیز از واژه‌نامه بین‌المللی سوم وبستر برای املا و تلفظ واژگان استفاده شده است و فقط در تعدادی از واژه‌های یهودی و عبری خاص از این شیوه عدول شده است. واژه‌ها و عبارات‌های غیرانگلیسی ایتالیک شده‌اند.

کتاب‌شناسی

کتاب‌شناسی‌ای که در آخر هر مدخل آمده است، مکمل اطلاعات مربوط به موضوع است و خواننده می‌تواند برای تکمیل اطلاعات خویش به آنها رجوع کند. در کتاب‌شناسی، ترجیح با آثار انگلیسی است. همچنین در صورتی که اثری به انگلیسی ترجمه شده باشد، ترجمه انگلیسی ذکر شده است. با این همه، گاه به متن اصلی اشاره شده است (آن‌جا که ترجمه انگلیسی نارسا است). عموماً فقط مهم‌ترین آثار در کتاب‌شناسی آمده‌اند.

مدخل‌های راجع به زندگی‌نامه

عنوان مدخل‌های راجع به اشخاص، بر اساس نام مشهور آنان آمده است. نام‌های دیگر در پرانتز ذکر شده‌اند و تمام صورت‌های آن در فهرست راهنما آمده است. حتی‌الامکان مدخل‌ها تحت نام خانوادگی آمده‌اند.

اصطلاح‌شناسی ویژه

در این دایرةالمعارف، در برخی موارد اصطلاحات خاصی برای برخی مفاهیم در نظر گرفته شده است؛ مثلاً برای قتل عام یهودیان به دست نازی‌ها در سال‌های 1933 تا 1945 از واژه Holocaust استفاده شده است. (این واژه در لغت - در معنای عام با h - به معنای همه‌سوزی یا قتل عام با حریق است و اصطلاحاً، با H، به سوزاندن یهودیان در دوره نازی‌ها اشاره می‌کند.)

نمونه دیگر، استفاده از اصطلاح ارتص اسرائیل Israel Erez به جای فلسطین است. پدیدآورندگان دایرةالمعارف معتقدند که «فلسطین» واژه‌ای است که آن را حاکمان روم ابداع کرده‌اند، تا بدین‌وسیله ارتباط قوم یهود را با کشوری که پیش‌تر آن را یهودیه می‌نامیدند، قطع کنند. از این‌رو، در این دایرةالمعارف اصطلاح ارتص اسرائیل (در لغت‌به معنای سرزمین اسرائیل) به کار رفته است و از واژه «فلسطین» فقط در متونی خاص استفاده شده است (مثلاً در دوره اخیر حکومت رومیان و نیز دوره یمومت بریتانیا که به این نام خوانده می‌شد). از سوی دیگر، واژه اسرائیل عموماً به مفهوم دولت جدید اسرائیل به کار رفته است.

نمونه دیگر این اصطلاح‌شناسی خاص، به کارگیری اصطلاح «تلمود اورشلیمی» به جای «تلمود فلسطینی» است؛ زیرا اگرچه اصطلاح دوم دقیق‌تر است (چون این اثر در اورشلیم نوشته یا گردآوری نشد)، اصطلاح نخست را بیانگر عنوان سنتی یهودی آن - تلمود یروشلمی Talmud Yerushalmi - دانستند.

نام مکان‌ها

در نگارش نام مکان‌ها از فرهنگ کلمبیا لیبینکات برای نام‌های جغرافیایی جهان⁽³⁷⁾ استفاده شده است و در مورد جاهایی که نام‌های گوناگون ذکر شده، شکل راجح آن انتخاب شده است.

نام مکان‌های مربوط به کتاب مقدس بر اساس کتب مقدس (براساس متون ماسوری؛ انجمن انتشاراتی یهودی آمریکا، 1955)⁽³⁸⁾ انتخاب شده است. نام سایر مکان‌های اسرائیل براساس قاعده آوانویسی دایرةالمعارف نوشته شده است.

تاریخ‌ها

سال عبری در پاییز آغاز می‌شود، یعنی تقریباً سه ماه زودتر از سال گریگوری (که مبنای تقویم میلادی است). اگر سال عبری، بدون تاریخ دقیق ماه آن، مشخص باشد، در این جا، طبق حساب احتمالات، سال مورد نظر مطابق نه ماه آخر آن به کار رفته و نه سه ماهه اول؛ مثلاً در دایرةالمعارف سال 1298 به کار رفته، نه 1297/98. اما اگر تاریخ عبری به طور دقیق مشخص باشد، تاریخ میلادی به صورت دقیق به کار رفته است.

آمار

چنان که نویسندگان دایرةالمعارف مدعی‌اند، ایشان کوشیده‌اند که آمارها را - مثلا تعداد یهودیان مناطق مختلف را - هرچه روزآمدتر شده و معتبرتر در تمام حوزه‌ها ارائه کنند. با این همه، به خاطر مشکلات خاص، تفاوت‌های گریزناپذیری رخ داده است.

تنظیم الفبایی

مدخل‌های دایرةالمعارف به گونه‌ای دقیق بر اساس الفبا تنظیم شده‌اند. معیار این تنظیم، حروف پیش از علائم نگارشی است (یعنی حروفی که پیش از ویرگول، نقطه و... هستند). در این معیار، خطیره و فاصله علامت نگارشی شمرده نمی‌شوند و لذا مدخل‌ها بدون توجه به آنها تنظیم شده‌اند؛ مثلا Ben - Gurion پس از Benghazi و پیش از Benjamin جای گرفته است و El Paso پس از Elephantine و پیش از Elul قرار گرفته است.

در تنظیم الفبایی، موارد زیر لحاظ نشده‌اند: حروف معرفه و نکره؛ عنوان‌های اشخاص، مثل «سر» Sir و «بارون» Baron، به جز «سن» Saint

اطلاعات داخل پراتنز؛ عدد ترتیبی پادشاهان یا پاپ‌ها. اگر عناوین مدخل‌ها کاملاً یکسان باشد، ترتیب چنین است: مکان‌ها، اشخاص، اشیا. اگر نام اشخاص عیناً یکی باشد، آن که قدیمی‌تر است، زودتر می‌آید. آن جا که یک نام واحد، نام کوچک یک شخص و نام خانوادگی شخص دیگری است، مدخلی که مربوط به نام کوچک است مقدم می‌شود.

.....

اطلاعات تکمیلی

روزبه‌روز اطلاعات جدیدی در اختیار بشر قرار می‌گیرد که باید به دایرةالمعارف‌هایی از این دست افزوده شود. چاپ روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مطالعات جدید، اطلاعاتی از این دست است. در این دایرةالمعارف اطلاعات تکمیلی زیر گنجانده شده است:

1. اطلاعاتی که، به هر دلیل، به موقع برای چاپ در دایرةالمعارف آماده نبود؛ این اطلاعات در بخش خاص مدخل‌های الحاقی در آخر جلد شانزدهم به چاپ رسیده است. در صورت امکان، در جای مناسب در دایرةالمعارف به این اطلاعات اشاره شده است، لکن این در همه موارد ممکن نبود، چون تا آخرین لحظه، آماده شدن این مدخل‌ها قطعی نبود. با این همه، تمام این مدخل‌ها را می‌توان در جلد یکم (فهرست راهنما) یافت.

2. برخی از فهرست‌ها، نمودارها و نقشه‌های تکمیلی در جلد یکم آمده است (ص 107 به بعد)، مثل صدسال تقویم یهودی از سال 1920 تا 2020؛ نموداری درباره حسیدیسم از زمان بعل شم‌طو تا عصر حاضر؛ فهرست مکان‌های اسرائیل؛ روزنامه‌ها و مجلات عبری؛ و تصاویری از هنر سفالگری در نزد یهودیان.

3. جلد یکم همچنین دربردارنده اطلاعات تکمیلی دیگری است، مثل تاریخ مرگ افرادی که پس از انتشار دایرةالمعارف در گذشتند، غلطهای چاپی که پس از چاپ و پیش از انتشار کشف شد، و نیز عناوین تصویرها. همچنین این جلد حاوی مطالبی از این دست است: گروه اصلی تحقیقات دایرةالمعارف، گروه ویراستاری، نام ویراستاران بخش‌ها و قسمت‌ها، فهرست کارکنان، مختصری درباره ویراستاران، کوتاه‌نوشت نام نویسندگان مدخل‌ها، کوتاه‌نوشت‌های عمومی، کوتاه‌نوشت‌های ادبیات حاخامی، کوتاه‌نوشت‌های کتاب‌شناختی و... .

با این همه، برخی از مدخل‌ها نیز ممکن است در گذر زمان ناروزآمد و مهجور شوند. سرعت رویدادها و رشد تحقیقات، تغییر و نوآوری را ضرور می‌کند. اطلاعات گنجانده‌شده در شانزده جلد اول دایرةالمعارف، وقایع را تا سال 1971 پی می‌گیرد. لازم بود که رویدادهای جدید نیز در این اثر بیاید. برای رفع این نقیصه، از سال 1973 چاپ کتاب سال دایرةالمعارف جودائیکا آغاز شد. این کار باعث می‌شد که اطلاعات دایرةالمعارف روزآمد و مفید باقی بماند و خوانندگان بتوانند تحولات جدید در جهان یهودیت و فرهنگ یهودی را پی بگیرند.

جلد هفدهم دایرةالمعارف محتوی اطلاعات بین سال‌های 1972 تا 1981 است. در این جلد آخرین اطلاعات درباره افراد زنده‌ای که زندگی‌نامه‌شان در جلدهای پیشین آمده است، خلاصه‌ای از وقایع جدید، آمارهای تازه و... آمده است.

پس از این، جلد دیگری از این دایرةالمعارف، با عنوان ده‌سال‌نامه، از 1982 تا 1993، به چاپ رسید که مکمل اطلاعات جلدهای پیشین است و اطلاعات این ده سال را ارائه می‌دهد. جلد هفدهم و کتاب ده‌سال‌نامه جودائیکا خود فهرست راهنمای مجزایی دارند که در آن به مدخل‌های مندرج در جلدهای پیشین ارجاع داده شده است. برای مثال، مدخل «ایران» که در جلد هشتم آمده است، وقایع ایران و یهودیان این کشور را تا سال 1971 / 1349 پی می‌گیرد. وقایع ده‌سال بعد، یعنی تا سال 1981 / 1359، در جلد هفدهم، با اشاره به مدخل ایران در جلد هشتم، آمده است و در جلد بعدی، یعنی ده‌سال‌نامه 1983 تا 1992، به وقایع تازه ایران، مثل جنگ ایران و عراق، اشاره شده است.

پدیدآورندگان دایرةالمعارف در پی آنند که این روند را ادامه دهند و ده‌سال‌نامه‌ها را در آینده نیز به چاپ رسانند.

امضا و نام نویسنده

در آخر هر مدخل، کوتاه‌نوشت نام نویسنده آمده است. اگر بخش‌های مختلف یک مدخل را نویسندگان مختلفی نوشته باشند، کوتاه‌نوشت نام هر کدام در آخر بخش مربوط آمده است. اگر دو نویسنده با هم یک مدخل را نوشته باشند، امضای هر دو در آخر می‌آید. مدخل‌هایی که به دست ویراستاران داخلی نوشته شده‌اند، عمدتاً با علامت [Ed.] مشخص شده‌اند. فهرست کوتاه‌نوشت نام‌های نویسندگان در جلد یکم آمده است.

در این دایرةالمعارف از مدخل‌های دو دایرةالمعارف دیگر، یعنی دایرةالمعارف جودائیکای آلمانی و دایرةالمعارف هبرائیکا نیز استفاده شده است. اگر نویسندگان آن مدخل‌ها زنده بوده‌اند، نسخه انگلیسی مدخل برای آنان ارسال شده است تا آن را تایید کنند و در صورت موافقت، مدخل به نام آنان چاپ شده است. برخی مدخل‌ها صرفاً با علامت EJ (دایرةالمعارف جودائیکای آلمانی) و EH (دایرةالمعارف هبرائیکا) آمده‌اند تا نشان دهد که از این دو منبع گرفته شده‌اند. اگر نویسندگان مدخل‌های دو منبع فوق زنده نبودند و نسخه انگلیسی نیاز به ویرایش بیشتر یا روزآمد کردن داشت، نام نویسنده همراه با [Ed.] آمده است تا مشخص کند که برخی تغییرات ویرایشی در مدخل اعمال شده است. اگر تغییرات ویرایش بنیادی بوده است، مدخل‌ها چنین امضا شده‌اند:

[EJ/ED] یا [EH/ED].

بخش‌های اصلی دایرةالمعارف

چنان که پیش‌تر اشاره شد، تدوین‌کنندگان این دایرةالمعارف، این اثر را به چندین بخش تقسیم کردند که هر بخش را یک سرویراستار سرپرستی می‌کرد. هر بخش دارای چندین قسمت و هر قسمت دارای ویراستاری خاص بود.

ملاک تقسیم‌بندی به بخش‌ها، اهمیت آنها در زمینه فرهنگ و زندگی یهودی است. از این رو، مثلاً کانادا یا هالاکاست به لحاظ اهمیتشان در سرنوشت یهودیت بخش مجزایی شمرده شده‌اند. بخش‌های اصلی دایرةالمعارف از این قرارند:

آمریکا Americana کتاب مقدس Bible کانادا Canada یهودیت معاصر Contemporary Jewry
سرزمین اسرائیل Erez Israel سرزمین جدید اسرائیل Modern Erez Israel زبان‌های عبری و سامی
Hebrew and Semitic Languages تاریخ History مناطق
Regions هالاکاست the Holocaust شریعت یهودی

یهودیت Judaism ادبیات Literature تحقیقات نوین یهودی Modern Jewish Scholarship
فلسفه یهودی

Philosophy, Jewish دوره معبد دوم

Second Temple Period تلمود Talmud صهیونیسم

Zionism

مشارکت یهودیان در فرهنگ جهان .

the Participation of Jews in World Culture

بخش دوم: آشنایی با مدخل‌ها

چنان که اشاره شد، این دایرةالمعارف دارای حدود 25/000 مدخل است. برای آشنایی خوانندگان محترم با محتوای مدخل‌ها، بر آن شدیم تا برخی از مدخل‌هایی را که در آنها مباحث اسلامی یا ایرانی مطرح شده است، ذکر کرده، خلاصه‌ای از دیدگاه نویسندگان دایرةالمعارف را در این باره بیاوریم. روشن است که چون

نویسندگان این دایرةالمعارف، همه، یهودی‌اند و این دایرةالمعارف نیز اثری در خدمت یهودیت است، نمی‌توان انتظار داشت که با بی‌طرفی کامل به مباحث اسلامی، و نیز دیگر مباحث، پرداخته باشند. نکته دیگر این‌که، تمام آنچه در ذیل مدخل‌ها، در این نوشته، آمده، دیدگاه نویسندگان دایرةالمعارف است. پاورقی‌ها از نویسنده این مقاله است.

برای آشنایی خوانندگان با درجه دقت و نکته‌سنجی و نیز مقدار بی‌طرفی و انصاف پدیدآورندگان این اثر یهودی مدخل‌هایی را در چند موضوع مطرح می‌کنیم.

الف) شخصیت‌های مشترک در یهودیت و اسلام

بسیاری از پیامبران، پادشاهان و شخصیت‌های تاریخی که در یهودیت (به ویژه در کتاب مقدس) مطرح شده‌اند، در اسلام (به ویژه در قرآن) نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. نویسندگان دایرةالمعارف در مدخل‌های راجع به این شخصیت‌ها، پس از معرفی ایشان از دیدگاه یهودیت، به دیدگاه اسلامی درباره ایشان نیز می‌پردازند.

در مباحث اسلامی ابتدا موضع قرآن مطرح می‌شود و سپس روایات و تفاسیر اسلامی بررسی می‌شوند و در آخر معمولاً دیدگاه انتقادی، با هدف اثبات این‌که این اطلاعات دارای منبع یهودی (یا مسیحی) است، آمده است.

گاه نیز نویسندگان با بیان قرائن و شواهد در پی آنند که بیان کنند برخی از این شخصیت‌ها دارای نقش و سهمی پنداشته شده‌اند که به زعم ایشان، در اصل آن را نداشته‌اند، چنان‌که در داستان ابراهیم و قربانی کردن اسماعیل و نیز بنای کعبه این مسئله بارز است. افزون بر این، در بیشتر این مدخل‌ها، نویسندگان در پی اثبات این امرند که آشنایی حضرت محمد (ص) با این شخصیت‌ها تدریجی بوده است و در زمان اقامت وی در مدینه، و برخورد با یهودیان، اطلاعات وی تکمیل شده است.

و آخر این‌که شماره‌های آیات ذکر شده، در بسیاری از موارد نامنطبق یا نادرست است که در این متن، شماره‌های درست را ذکر کرده‌ایم.

هارون (2:4-9) AARON⁽³⁹⁾ در اسلام: 8)

در قرآن آمده است که موسی و هارون، پس از رهایی از اسارت مصریان، در پیشاپیش قوم ظاهر شده، بدیشان کتاب عطا می‌شود (صافات [37]: 114-120). موسی از خدا درخواست می‌کند که برادرش هارون یاری‌دهنده (و وزیر) وی باشد (طه [20]: 29-30; و نیز رک: فرقان [25]: 35).

در سوره شعراء [26]، آیه 13 موسی اظهار می‌دارد که می‌ترسد سینه‌اش تنگ گردد و زبانش باز نشود [و می‌گوید: پس رسالت را به سوی هارون بفرست]. و سرانجام در سوره قصص [28]، آیه 34 موسی به خدا خطاب می‌کند که: «برادرم هارون از من زبان‌آورتر است؛ پس او را با من به دستگیری گسیل کن».⁽⁴⁰⁾

همان‌گونه که در میدراش⁽⁴¹⁾ به شیوه‌های گوناگون کوشش می‌شود که هارون از هرگونه بزهی در داستان گوساله طلایی مبرا و بی‌گناه قلمداد شود،⁽⁴²⁾ در گزارش قرآن از این واقعه نیز وی نقش ناظر و مدیر⁽⁴³⁾ را

دارد، نه نقش شریک اصلی را، و قرآن ساخت گوساله طلایی را به سامری (شاید به معنای یکی از اهالی سامره) نسبت می‌دهد (طه [20]: 95-97).

در ادبیات اسلامی پس از قرآن، به صورت‌های گوناگون، بیان می‌شود که چگونه موسی برای بنی‌اسرائیل توضیح می‌دهد که وی برادرش را، چنان که ایشان پنداشته‌اند، نکشته است، بلکه وی به مرگ طبیعی مرده است.

در قرآن، مریم مادر عیسی در دوران حاملگی⁽⁴⁴⁾ «خواهر هارون» خوانده شده است (مریم [19]: 28-30; رک: خروج، 15: 20)؛ و برخی نویسندگان مثل اسپیر⁽⁴⁵⁾ کوشیده‌اند که این را توضیح دهند. در قرآن به این مطلب که هارون پدر خاندان کاهنی است، اشاره نشده است. دو قبیله عمده یهودی ساکن مدینه، یعنی بنی‌قریظه و بنی‌نظیر، الکاھنان (یعنی دو خاندان کاهنی) نامیده می‌شدند. آن‌گاه که یکی از زنان پیامبر اسلام به صفیه، همسر [سابقاً] یهودی پیامبر اهانت و هتاکی کرد، پیامبر به صفیه گفت که به او این جواب دندان‌شکن را بده که: «پدرم هارون و عمویم موسی بود».

ابراهیم (2:111-125 ABRAHAM)؛ در سنت اسلامی: 119-121

به «صحف ابراهیم»، در کنار صحف موسی، در دو سوره مکی قرآن اشاره شده است (اعلی [87]: 19; نجم [53]: 37). این امر حاکی از آن است که پیامبر اسلام ابراهیم را یکی از پدران عقیده توحیدی می‌دانست؛ لکن (به اعتقاد یهودیان) ابراهیم کتابی نداشت.

بخش بزرگی از داستان پیامبران در قرآن به ابراهیم اختصاص یافته است و این، به پندار نگارنده مدخل فوق، عمدتاً بر اساس اطلاعاتی است که از داستان‌های تلمود اخذ شده است.

به گفته قرآن، ابراهیم، با برهان خویش، تصدیق می‌کرد که خالق خدا است، نه ستاره درخشان یا ماه یا خورشید. وی بت‌های پدرش را شکست، در آتش افکنده شد، معجزه‌آسا نجات یافت و به سرزمین مقدس کوچید. گرچه مدت‌ها بی‌فرزند بود، به وعده خدا، که به او پسری خواهد داد، باور داشت و چون پسر به دنیا آمد، وی آماده شد تا به دستور خدا او را قربانی کند. اسماعیل، که در سوره‌های مدنی قرآن بسیار پر آوازه است، در سوره‌های مکی در ارتباط با پدرش ابراهیم مطرح نمی‌شود؛ مثلاً در سوره عنکبوت [29] آیه 27 آمده است که: «و اسحاق و یعقوب را به او [ابراهیم] عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم». همچنین «وی [ساره] را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم» (هود [11]: 71; همانند این بیان در صافات [37]: 112-113 و انبیاء [21]: 72 نیز آمده است). به گمان نویسنده مدخل، در این دوره، اسماعیل به تنهایی در داستانی مطرح نشده است، بلکه فقط نامی است در میان مجموعه‌ای از نام‌های پیامبران و اولیا، همراه با برخی شخصیت‌های کتاب مقدس مثل هارون، ایوب و الیسع، یعنی در میان نام افرادی که از زمان ابراهیم بسیار فاصله داشته‌اند.

به پندار نگارنده، همان‌گونه که در آغاز بین ابراهیم و اسماعیل ارتباطی نیست، بین ابراهیم و ساختن کعبه نیز، تا دوره اخیر پیامبری حضرت محمد، ارتباطی نیست (رک: بقره [2]: 124 به بعد)، و بی‌گمان، وی

روایت کتاب یوبیل‌ها⁽⁴⁶⁾ (22: 23-24) را که ابراهیم را بنیان‌گذار معبد اورشلیم دانسته، شنیده است. داستان به کتاب دوم تواریخ ایام (3: 1) برمی‌گردد که می‌گوید سلیمان معبد را بر کوه موری‌ا ساخت که بنا بود ابراهیم بر روی آن اسحاق را قربانی کند (پیدایش، 22: 2).

خود واژه «اسلام» و مضمون آن، یعنی تسلیم کامل به خدا، با داستان ابراهیم مرتبط است؛ نمونه آن سوره بقره [2]، آیه 131 است: «هنگامی که پروردگارش به او [ابراهیم] فرمود: تسلیم شو، گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم». نمونه دیگر سوره حج [22]، آیه 78 است: «آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است]. او بود که قبلاً شما را مسلمان [یعنی تسلیم در برابر خدا] نامید». ریشه این بیان نیز در یکی از ترگوم⁽⁴⁷⁾ (ترجمه) های سفر پیدایش (17: 1) است که خدا ابراهیم را موعظه می‌کند که شلیم Shelim باشد.

در قرآن با تاکید آمده است که ابراهیم نه یهودی و نه مسیحی بود (بقره [2]: 140، 135؛ آل عمران [3]: 67)؛ این بیان برعکس اعتقاد اصلی حضرت محمد [ص] در مورد جهانی بودن دین اسلام، این دین را دین ابراهیم، پدر عرب‌ها، انحصاری، «بهترین دین» (آل عمران [3]: 110، 106) و والاتر از ادیان دیگر معرفی کرد.

آدم (2:234-245 ADAM)؛ در اسلام: (241-242)

قرآن بیش از کتاب مقدس به آدم توجه کرده است. خدا آدم را خلق کرد تا خلیفه او بر زمین شود (بقره [2]: 30)؛ با او پیمان بست (طه [20]: 115). فرشتگان ترسیدند که آدم بر روی زمین فتنه کند. خدا به آدم اسما را آموخت و از فرشتگان خواست تا به آدم سجده کنند. ابلیس سرپیچی کرد. خدا ابلیس را از بهشت راند. آدم و حوا از خوردن میوه درختی منع شدند، اما شیطان در گوش ایشان وسوسه کرد که خدا شما را از این درخت بازداشت، تا مبادا چون فرشتگان جاودانه شوید (اعراف [7]: 20). ایشان از میوه آن درخت خوردند و از برهنگی خویش آگاه شدند و خود را با برگ درختان پوشاندند. خدا گفت که بین آدم و شیطان دشمنی ابدی خواهد بود. سپس آدم از گناهش توبه کرد.

نویسنده این مدخل در ادامه این ادعا را مطرح می‌کند که برخی از بخش‌های داستان آدم در قرآن، برگرفته از یک آگادای قدیمی است (سنهدرین، 38 الف - ب). وی احتمال می‌دهد که قرار گرفتن شیطان به جای مار⁽⁴⁸⁾ متأثر از مسیحیان باشد.

در ادامه آمده است که مفسران و نویسندگان بعدی مسلمان، این داستان قرآن را با استفاده از کتاب مقدس، آگادا و تخیلات خویش تکمیل کردند. در آخر، برخی از این امور بیان شده است.

داوود (5: 1318-1334 DAVID)؛ در اسلام: (1332)

داوود برای اعراب دوران جاهلیت شخصیتی آشنا بود و در اشعارشان وی را مخترع زره می‌دانستند. همچنین از ارتباط وی با زبور (مزامیر) آگاه بودند. قرآن نیز بیان می‌دارد که خدا به داوود فن زره‌سازی را آموخت

(انبیاء [21]: 80)؛ همچنین آهن را در دستان او نرم می‌کرد (سبا [34]: 10). خدا زبور را به داوود عطا کرد (اسراء [17]: 55).

چیرگی داوود بر جالوت در سوره بقره [2]، آیه 251 ذکر شده است. خدا داوود را خلیفه خود در زمین کرد تا میان مردم به حق و عدالت داوری کند (ص [38]: 26).

در آیات پیش از آیه فوق (آیات 22 تا 25) داستان برادری که 99 گوسفند دارد و می‌خواهد تنها گوسفند برادر خود را بگیرد، آمده است. نویسنده می‌گوید این احتمالاً اشاره‌ای است به داستان اوریای حتی و مثلی که ناتان نبی برای داوود بیان کرد (رک: دوم سموئیل، 11-12).

در سوره مائده [5]، آیه 78 آمده است که داوود و عیسی برخی از بنی‌اسرائیل را به خاطر تجاوز از فرمان خدا لعنت کردند. نویسنده مدخل می‌گوید: آوردن نام داوود به همراه عیسی شاید بیانگر این باشد که پیامبر اسلام این نکته را از مسیحیان گرفته است.

اسحاق (9: 1-7 ISAAC)؛ در اسلام: (6)

در قرآن، اسحاق و یعقوب پیامبران و مردان درستکار معرفی شده‌اند (مریم [19]: 49-50؛ انبیاء [21]: 72-73؛ انعام [6]: 84). در سوره صافات [37]، آیات 99 تا 110، که داستان رؤیای ابراهیم و قربانی آمده است، نام پسری که باید قربانی می‌شد ذکر نشده است؛ اما طبری در تاریخ خود حدیثی را نقل کرده مبنی بر این که پیامبر خود اعلام کرد که مقصود اسحاق است.

نویسنده همین نظر را به علی بن ابی‌طالب (ع)، عمر بن الخطاب و جمعی از تابعین نسبت می‌دهد.

یعقوب (9: 1191-1206 JACOB)؛ در اسلام: (1202-1201)

نویسنده این مدخل از آیه 71 سوره هود [11] که بیان می‌دارد: «پس وی [ساره] را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم»، چنین استفاده می‌کند که پیامبر اسلام دقیقاً نمی‌دانسته است که یعقوب پسر اسحاق بوده یا برادر وی؛ از این رو از یک بیان مبهم استفاده کرده است. از زمانی که وی به مدینه رفت، این نکته برایش آشکار شد که پدران یعقوب، ابراهیم و اسحاق و اسماعیل بودند و وی پدر اسباط بود (بقره [2]: 132-133).

ایوب (10: 111-129 JOB)؛ در اسلام: (125)

ایوب در چند سوره قرآن بنده خدا و کسی که سختی‌ها را تحمل کرد، معرفی شده است (نساء [4]: 163؛ انبیاء [21]: 83-84؛ ص [38]: 41-44). خدا پس از این مشقات، تمام آنچه را وی از دست داده بود، به وی بازگرداند. به بیان نویسنده مدخل، گرچه قرآن به اختصار به داستان ایوب پرداخته، این داستان در ادبیات اسلامی پس از قرآن، تحت تاثیر کتاب مقدس و میدراش‌ها، گسترش یافته است.

یوسف (10: 202-217 JOSEPH)؛ در اسلام: (213-212)

یوسف یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها نزد پیامبر اسلام است. یک سوره [سوره 12] به نام وی نامگذاری شده، که به روایت قرآن «احسن القصص» است (در 111 آیه). داستان با این اخطار یعقوب به یوسف آغاز

می‌شود که: از گفتن رؤیایت به برادران بپرهیز. در ادامه مدخل به بقیه داستان یوسف، از دیدگاه قرآن، اشاره شده است.

در ادبیات اسلامی پس از قرآن، داستان یوسف و زلیخا گسترش یافته و در نثر و شعر عربی و فارسی دارای رنگ و بوی رومانتیک شده است.

موسی (12: 371-411 MOSES; در اسلام: 402-404)

شخصیت و کردار موسی جایگاهی والا در قرآن دارد. وقایع زندگی وی از لحظه تولد به تفصیل در قرآن آمده است. در حقیقت، نوح، ابراهیم و موسی نخستین مؤمنان اند و موسی آمدن پیامبر اسلام را پیش‌گویی می‌کند (اعراف [7]: 143، 157).

در پی حکم فرعون و مشاورانش، هامان و قارون، زندگی موسی به خطر می‌افتد و وی را به آب می‌افکنند و آسیه، همسر⁽⁴⁹⁾ فرعون، او را از آب می‌گیرد (شعراء [26]: 18؛ قصص [28]: 7-11). در آیه 27 سوره قصص [28] به کار کردن موسی برای شعیب و ازدواج با دختر او اشاره شده است (همین داستان در کتاب مقدس درباره یعقوب و کار وی برای لابان آمده است).⁽⁵⁰⁾

نویسنده مدخل فوق، موارد زیر را مطابق اکادا می‌داند: موسی شیر زنان مصری را نخورد (قصص [28]: 12)؛ مردی مؤمن از خاندان فرعون در نجات موسی کوشید (مؤمن [40]: 28)؛ خدا کوه را بر سر قوم اسرائیل افراشت تا تورات را بپذیرند (بقره [2]: 63، 93؛ اعراف [7]: 171)؛ همچنین داستان قارون و بسیاری از موارد دیگر.

افزون بر این، برخی از شخصیت‌های قرآن در ادبیات قدیمی یهودی ناشناخته‌اند، مثل سامری که گوساله طلایی را می‌سازد؛⁽⁵¹⁾ و مسافرت موسی و خادمش به اقصا نقاط جهان (کهف [18]: 60-82).⁽⁵²⁾ در قرآن، از عمران (عمرام) پدر موسی و هارون نامی به میان نیامده است و عمران، که در قرآن آمده (سوره آل عمران [3])، اشاره است به پدر مریم، مادر عیسی.

در ادامه این مدخل، به داستان کودکی موسی در روایات اسلامی و نیز مسافرت موسی (کهف [18]: 60-82) پرداخته شده است. نویسنده پس از نقل خلاصه داستان اشاره می‌کند که چون این داستان در وقایع مربوط به موسی (در تورات) نیامده، برخی از مفسران اسلامی، گفته‌اند که این موسی، موسای دیگری است. برخی دیگر او را همان موسای پیامبر و جوان همراه وی را یوشع بن نون دانسته‌اند و گفته‌اند که نام پیامبری که موسی با وی همراه شد «خضر» بوده است.

نوح (12: 1191-1198 NOAH; در اسلام: 1195)

نوح یکی از شخصیت‌های مورد توجه پیامبر اسلام است. یک سوره قرآن (سوره 71) به نام نوح نامگذاری شده است. به روایت قرآن، نوح می‌کوشد که قومش را به توبه وادارد، اما ایشان نمی‌شنوند (اعراف [7]: 59-64). به نوح وحی می‌شود که کشتی بسازد (هود [11]: 37 و...). در ادامه مدخل، بقیه داستان نوح در قرآن و روایات اسلامی مطرح شده است.

سلیمان (15: 96-111 SOLOMON; در اسلام: 108)

در قرآن، سلیمان نه فقط وارث داوود (نمل [27]: 16)، که بنده مومن خداست (ص [38]: 30). وی حتی لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌شود؛ شیطان‌ها به کفر گراییدند و به مردم سحر آموختند و بدین طریق ایشان را از پرستش خدا بازداشتند، اما سلیمان چنین نکرد (بقره [2]: 102). چون اسب‌های محبوبش وی را از یاد خدا غافل کردند، آنها را کشت (ص [38]: 31-33).⁽⁵³⁾

به سلیمان پادشاهی بی‌نظیر عطا شد (ص [38]: 35) و حکمت و زبان پرندگان به او داده شد (نمل [27]: 15، 19؛ لقمان [31]: 12)⁽⁵⁴⁾

نویسنده می‌افزاید: همانند داستان‌های اگادا، ریشه برخی از این داستان‌ها در پارس است و مفسران اسلامی جایگاهی ویژه برای خصوصیات، تولد، حکمت و داوری سلیمان قائل شدند.

بلعم (بلعام) (4: 120-125 BALAAM; در اسلام: 124)

نام بلعم در قرآن نیامده است و مشخص نیست که واقعا مقصود قرآن در سوره اعراف [7]، آیه 175 و 176 بلعم باشد. در این آیات آمده است: «و خبر آن کسی که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت؛ آن‌گاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد. . . او به زمین گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد.»

عقیده بیشتر مفسران و مورخان این است که شخصیت موردنظر در آیات فوق، همان بلعام است که در کتاب مقدس (اعداد، 22-24) به وی اشاره شده است؛ اما برخی از مفسران، شخص موردنظر قرآن را امیة بن ابی‌الصلت می‌دانند.

شخصیت‌های دیگری که در کتاب مقدس و متون اسلامی (به ویژه قرآن) آمده‌اند و در دایرة‌المعارف به دیدگاه اسلام درباره ایشان پرداخته شده، بدین قرارند:

بنیامین Benjamin هابیل و قابیل Abel and Cain کنعان

Canaan دانیال Daniel الیاس Elijah الیسع

Elisha ادریس Enoch حوا Eve حزقیل (حزقیال):

Ezekiel (عزیر (عزرا: Ezra) یاجوج و ماجوج

Magog and Gog جالوت Goliath هامان Haman اشعیا

Isaiah ارمیا Jeremiah یونس Jonah یوشع

Joshua قارون Korah لوط Lot مریم Miriam بختنصر

Nebuchadnezzar نمرود Nimrod فرعون Pharaoh عزیز مصر

Potiphar بلقیس Sheba of Queen سموئیل Samuel طالوت

Saul شیث Seth آزر Terah

(ب) مفاهیم اسلامی

عنوان برخی از مدخل‌ها واژه‌ها و اصطلاحات اسلامی است. در این مدخل‌ها نیز از زاویه‌ای به این مفاهیم نگاه شده که با یهودیت و یهودیان مرتبط است. برخی از این مدخل‌ها را به اجمال بررسی می‌کنیم.

اهل کتاب (2: 467-468) (AHL AL-KITAB)

یهودیان، مسیحیان و صابئین در قرآن اهل کتاب نامیده شده‌اند (آل عمران [3]: 110; نساء [4]: 152 و...). چرا که کتابی مقدس حاوی وحی خدا داشته‌اند. قرآن به زبور داوود (از ریشه میزمور (mismor) اشاره می‌کند (اسراء [17]: 55). همچنین به تورات اشاره می‌کند (آل عمران [3]: 48; فتح [48]: 29). به گفته قرآن، تورات آمدن پیامبر اسلام را پیش‌گویی کرده است (اعراف [7]: 157). نام انجیل نیز در قرآن آمده است (مائده [5]: 47). قرآن گرچه سه بار نام صابئین را ذکر کرده (آل عمران [3]: 62; مائده [5]: 69; حج [22]: 17)، کتابی برای ایشان نام نبرده است.

ذمی، ذمه (5: 1604-1606) (DHIMMI, DHIMMA)

در اسلام وضعیت حقوقی اهل کتاب را ذمه گویند. این یک تعهد دوجانبه است: حاکم اسلامی تعهد می‌کند که جان و مال اهل ذمه را حفظ کند؛ آنان را از خدمت‌سربازی معاف کند؛ و آزادی دینی ایشان را، گرچه با محدودیت‌هایی، تضمین کند. از سوی دیگر، اهل ذمه مکلف به پرداخت جزیه‌اند؛ نباید به اسلام توهین کنند؛ نباید مسلمانان را به دین خود درآورند؛ نباید کلیسا یا کنیسه جدید بسازند؛ و نباید با تباری با دشمنان، به حکومت اسلامی خیانت کنند. ایشان باید با کارهایی چون پل‌سازی و راهنمایی به ارتش اسلام یاری دهند. همچنین باید با پوشیدن لباسی خاص، خود را متمایز گردانند.

روز واپسین (6: 860-886) (ESCHATOLOGY); در اسلام: 883-885

حضرت محمد [ص] نسبت به وقایع آخرالزمان شیفتگی زیادی دارد. در قرآن هفتادبار عبارت «یوم‌القیامه» به کار رفته است (مثلاً بقره [2]: 85، 113; نحل [16]: 124; مجادله [58]: 7; قیامه [75]: 1-35); همچنین واژه «الساعه» چهل بار آمده است (مثلاً انعام [6]: 31، 40; نازعات [79]: 42). واژه‌های دیگری نیز برای بیان این منظور در قرآن به کار رفته است، مثل «یوم‌الحساب» (ص [38]: 16، 26، 53).

در ادامه این مدخل، به بررسی سایر آیات قرآن درباره داوری در روز قیامت، محشر، صراط، بهشت و دوزخ و نحوه مکافات مجرمان و پاداش نیکوکاران پرداخته شده است. سپس نحوه رستخیز مردگان و نیز آغاز قیامت، آمدن دجال، و... بیان شده و در انتها به مقایسه روز قیامت در اسلام با روایات یهودی پرداخته شده است.

حدیث (7: 1051-1052) (HADITH)

حدیث علم سنت اسلامی، به ویژه درباره اعمال، گفته‌ها، فضایل، عقاید و شیوه‌های زندگی حضرت محمد است. حدیث‌یکی از چهار منبع فقه است.

اسلام (9: 92-105) (ISLAM)

اسلام دینی جهانی است (یعنی دینی است که فقط با یک قوم سروکار ندارد)، و جوان‌ترین دینی است که از یهودیت ریشه گرفته است.⁽⁵⁵⁾ این دین منحصر در ایمان و شریعت دینی نیست، بلکه پیش‌زمینه فرهنگ خاصی است که ملل اسلامی را، علی‌رغم تمایزات جغرافیایی، نژادی و تاریخی، تا عصر حاضر به هم مرتبط کرده است.

اسلام در قرن هفتم میلادی در شبه جزیره عربستان طلوع کرد و از آن جا به سراسر جهان راه یافت. این دین در شهر تجاری مدینه رشد یافت و پیامبر نیز خود بازرگان بود. این واقعیت در شریعت اسلامی نیز منعکس شده؛ چرا که برای ملتی شهرنشین و مدنی لحاظ شده است.

گرچه بیشتر مردمان این منطقه بت‌پرست بودند، ادیان توحیدی، یعنی یهودیت و مسیحیت، نیز برای ایشان ناشناخته نبودند.

در فعالیت پیامبر اسلام، امور زیر بارز است: 1. بیان مفهوم روز داوری؛ 2. معرفی الله به عنوان خدای واحد؛ 3. آوردن شریعت مکتوب آسمانی؛ 4. تایید و تعیین خانه کعبه به عنوان زیارتگاه؛ 5. احترام به ابراهیم «خلیل الرحمان» به عنوان نخستین موحد و بنیانگذار کعبه؛ 6. آوردن شریعتی که نسبت به موقعیت ظهورش از نظر اخلاقی و اجتماعی پیشرفته است؛ 7. مطرح کردن بنا و اساسی برای ساختار سیاسی و دینی جامعه مؤمنان؛ 8. اطاعت برخی طوایف عرب از وی؛ 9. بازگشت به مکه؛ 10. مطرح کردن زبان عربی به عنوان زبان دینی.

نویسندگان در ادامه این مدخل مفصل به موارد زیر می‌پردازند: جهان اسلام و پراکندگی مسلمانان و جمعیت ایشان؛ گسترش دین اسلام؛ ظواهر و مراسم دینی؛ مکان‌های مقدس؛ مناظره با یهودیان؛ یهودیت و اسلام.

اسرائیلیات (9: 1067 ISRAELITE)

اسرائیلیات نام دو نوع ادبیات مسلمانان است که به دو موضوع متفاوت مربوط می‌شود:

1. داستان‌هایی از کتاب مقدس، اساطیر، و دیگر روایات که در ادبیات یهودی، از شخصیت‌های کتاب مقدس، محققان، ربی‌ها و شخصیت‌های تلمود و میدارش‌ها به یادگار مانده است. اسرائیلیات کانالی بوده است برای جذب بسیاری از حکایات در گنجینه روایات تاریخی اسلام. منشا این روایات معمولاً یهودیانی بودند که به اسلام گرویدند یا محققانی که دارای ریشه یهودی بودند. مشهورترین آنان کعب‌الاحبار و وهب بن منبه‌اند. وجود این روایات با اعتراض برخی فرق اسلامی مواجه شد.

2. موضوع اصلی دیگر اسرائیلیات زندگی و کردار عرفای اسلامی است، مردان قدیمی متقی‌ای که در دوره‌ای شکوفا شدند که دوره «بنی اسرائیل» نامیده می‌شد.⁽⁵⁶⁾

جهاد (10: 103-104 JIHAD)

جهاد جنگ مقدس در اسلام است. در سوره‌های مدنی به مسئله جهاد، یعنی جنگ مقدس بر ضد کافران و دشمنان خدا، پرداخته شده است (مثل سوره بقره [2]: 190-194؛ 216-218، 244 و...). قرآن به

کشته‌شدگان در راه خدا وعده پاداش بزرگ می‌دهد (نساء [4]: 74). مطابق اسلام، امام مسلمین باید بر ضد اهالی شهرهایی که به اسلام تن در ندهند، جهاد کند. این شهرها دارالحرب و شهرهای اسلامی دارالاسلام نامیده می‌شوند. یهودیان و مسیحیان می‌توانند در دارالاسلام با عنوان ذمی زندگی کنند.

کلام (KALAM 10: 701-703)

الهیات مدرسی عربی؛ در این مدخل به کلام معتزله و اشاعره اشاره شده و به تاثیر کلام اسلام بر فلسفه یهودی پرداخته شده است. کلام در طی قرون وسطا بر متفکران و هم پیروان شریعت‌شفاهی،⁽⁵⁸⁾ تاثیر داشته است. کلام معتزلی تاثیر زیادی بر سعدیا، که هم‌زمان با اشعری می‌زیست، داشته است، و این امر کاملاً در کتاب وی، کتاب الامانات والاعتقادات، آشکار است. بیشتر ادله وی بر ازلی نبودن جهان از کلام اقتباس شده است. وی همچنین از ادله کلامی در اثبات وحدت خدا سود جست. به طور کلی می‌توان گفت که کلام معتزلی از طریق آثار سعدیا تاثیر عظیمی بر اندیشه یهودی تا قرون وسطا داشته و این تاثیر به واسطه ترجمه آثار وی تا روزگار ما نیز رسیده است. پیش از وی، ابراهیم بن مروان نیز از کلام تاثیر پذیرفته بود.

ابن میمون آموزه‌های کلامی را در کتاب دلالة الحائرين توضیح داد و آنها را رد کرد، گرچه خود معترف است که دیدگاهش از برخی جهات با کلام شباهت دارد.

قرآن (KORAN 10: 1194-1200)

در حالی که در یهودیت و مسیحیت، کتاب مقدس به مرور زمان و با توسعه دینی پدید آمد، اسلام از همان آغاز مبتنی بر یک کتاب بود.

در این مدخل به شکل ادبی قرآن، تاثیر یهودیت بر اسلام، معادشناسی، نام‌های خداوند، اطلاعات درباره پیامبران و روایات، پنج رکن دین و واجبات و محرمات، و قرآن در ادبیات یهودی و زبان عبری پرداخته شده است.

محمد [ص] (MUHAMMAD 12: 508-511)

در این مدخل، زندگی‌نامه پیامبر اسلام، حضور وی در مکه و مدینه، و برخورد وی با طوایف یهودی بیان شده است.

تصوف (SUFISM 15: 486-487)

این واژه بیانگر عرفان اسلامی است که حدود قرن هشتم میلادی در کشورهای اسلامی رایج شد و هنوز نیز دارای نفوذ است.

از معروف‌ترین عارفان پرشور یکی بایزید بسطامی (م. 875م) است که می‌گفت: «سبحانی، ما اعظم شانی»، و دیگری حلاج (مقتول 922م) است که بانگ اناالحق سر می‌داد. این جملات را ابن طفیل در مقدمه کتاب حی بن یقظان که در قرن چهاردهم میلادی به عبری ترجمه شد، نقل کرده است. به عقیده نویسنده مدخل، برخی عارفان اسلامی متأثر از عرفان یهودی بودند.

ج) مواجهه یهودی - اسلامی

تلقی یهودیان از مسلمانان و بالعکس و نیز برخوردهای ایشان با یکدیگر، موضوع بخشی از مدخل‌های این دایرةالمعارف است که به برخی اشاره می‌شود.

ضد یهودی‌گری (SEMITEISM-ANTI 3: 86-160; در اسلام: 100-101)

ضدیهودی‌گری در اسلام، یکی از بخش‌های مدخل فوق است. به گفته نویسنده، قرآن، از دیدگاه الهیاتی، دربردارنده حملاتی بر ضد یهودیان است، چرا که ایشان حضرت محمد را به پیامبری قبول نداشتند. در این مدخل، به ضدیهودی‌گری در کشورهای عربی نیز پرداخته شده است.

نوکیشان اجباری (ANUSIM 3: 169-174)

موضوع این مدخل عبارت است از اجبار یهودیان با تهدید و شکنجه به تغییر دین. از جمله موارد مورد اشاره نویسنده، اجبار یهودیان اصفهان، مشهد و اسپانیای اسلامی (اندلس) به پذیرش اسلام است.

ارتداد (APOSTASY 3: 201-215; ارتداد به اسلام: 211)

ارتداد یعنی رها کردن ایمان (یهودی) و پذیرش دین دیگر. در بخشی از این مدخل، ارتداد یهودیان به اسلام مطرح شده است. تعدادی از یهودیان عربستان در زمان حضرت محمد[ص] به اسلام گرویدند که معروف‌ترین ایشان عبدالله بن سلام است.

علامت خاص (JEWISH, BADGE 4: 62-73)

نویسنده این مدخل معتقد است که لزوم به همراه داشتن علامت خاص برای پیروان غیر از دین اکثریت، نه در مسیحیت، که در اسلام ریشه دارد. عمر بن عبدالعزیز (717-720م) نخستین حاکمی بود که دستور داد زمین باید لباس و علامت ویژه داشته باشند.

جدید الاسلام (JADID AL-ISLAM 9: 1246)

این اصطلاح در کشور ایران در مورد یهودیانی به کار می‌رود که با اجبار مسلمان شده‌اند. این تعبیر بیشتر در شهر مشهد و از زمان حکومت قاجار به کار رفته است.

کتاب مقدس (BIBLE 4: 814-968; در اسلام: 927-932)

پیش از ظهور اسلام، در دوره جاهلیت، جماعتی یهودی وسیعی در شمال و جنوب شبه جزیره عربستان می‌زیستند. از این رو، مردم این سرزمین از وجود کتاب مقدس آگاه بودند.

نویسنده پس از ذکر آشنایی شاعران عرب با کتاب مقدس، می‌افزاید که: حضرت محمد با تورات آشنا بود (آل عمران [3]: 65، 93)، توراتی که به اهل کتاب داده شده و همانند قرآن وحی و کلام الهی است. تورات طریق هدایت و نور است، و پیامبران براساس آن برای یهود داوری می‌کردند (مائده [5]: 42).

نویسنده مدخل ادعا می‌کند که تمام اطلاعات حضرت محمد از کتاب مقدس، سخنانی است که از یهودیان و مسیحیان شنیده است. به زعم وی، پیامبر اسلام فقط در موارد اندکی ترجمه‌ای دقیق از متن کتاب مقدس ارائه داده و اکثر موارد برداشت آزاد است. نمونه ترجمه دقیق را این آیه ذکر می‌کند: «همه

خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود» (آل عمران [3]: 87). این آیه مطابق پیدایش، 32: 32 است؛ همچنین آیات راجع به قصاص (مائده [5]: 45؛ که منطبق است با خروج، 21: 23-25). نویسنده مدخل فوق دیدگاه مفصل و نقادانه‌ای را درباره نگرش قرآن و پیامبر اسلام به کتاب مقدس مطرح کرده است.

د) ایران و یهودیت

ایران همواره مورد توجه یهودیان بوده است. از زمانی که کوروش فرمان آزادی یهودیان را صادر کرد، همیشه ایران پایگاه مهمی برای یهودیان بوده است. در این دایرةالمعارف نیز در چند مدخل به ایران و یهودیان ایران پرداخته شده است.

ایران 321 (17: 1439-1444; 8: IRAN; ده سال نامه 83-92; 186-187)

ایران تا پیش از سال 1935 م / 1313 ش در روابط بین الملل پارس (پرشیا Persia) نامیده می‌شد. در این مدخل به بررسی وضع یهودیان ایران از تاریخ فوق پرداخته شده است و اطلاعات مربوط به پیش از این تاریخ در مدخل پارس آمده است.

در سال 1948 م / 1326 ش حدود نود و پنج هزار یهودی در ایران ساکن بودند. در سال‌های 1948 تا 1955 م، حدود بیست و هشت هزار تن از ایشان به اسرائیل کوچیدند و سپس سه هزار تن از آنان به ایران بازگشتند. در سال 1956 م / 1334 ش، جمعیت یهودیان ایران در حدود هفتاد و پنج هزار نفر بود که در سال 1968 / 1346 به شصت هزار نفر کاهش یافت. در این زمان، ایران، پس از اسرائیل، بزرگ‌ترین جامعه یهودی در شمال آفریقا و آسیا را دارا بود.

در ادامه این مدخل به وضع تعلیم و تربیت، انتشارات، وضع زنان، اوضاع اقتصادی، اوضاع دینی، بهداشت، صهیونیسم و ساختار اجتماعی یهودیان در ایران پرداخته شده است. نویسنده ارتباط یهودیان ایران با غیریهودیان را چنین گزارش می‌کند:

یهودیان ایران مطابق قانون اساسی سال 1906 / 1284 ش دارای حقوق برابر شناخته شدند. از سال 1948 تا 1964 م (1326 تا 1342 ش) هیچ تعرضی علیه یهودیان صورت نگرفت. با استقرار دولت اسرائیل، اعراب کوشیدند تا مسلمانان ایران را بر ضد یهودیان بشورانند. نهادهای مسلمان اطلاعیه‌هایی بر ضد یهودیان پخش کردند، اما هیچ خشونت‌ری رخ نداد. فقط در مارس 1950 م / 1328 ش به یهودیان کردستان ایران حمله شد، اما حکومت نظم را بازگرداند. وقتی محمد مصدق در سال 1951 م / 1329 ش نخست‌وزیر ایران شد، تبلیغات ضدیهودی روحانیان مسلمان و جنبش سوسیالیست خلق شدت گرفت. مصدق خودش با یهودیان ضدیت نداشت، اما رژیم او بر پایه حمایت روحانیان مسلمان و ملی‌گراها برقرار شده بود و او حمایت ایشان را فراموش نمی‌کرد. پس از سقوط مصدق، حملات فوق پایان یافت. در ادامه، به یهودیان کرد و رابطه یهودیان ایران با دولت اسرائیل پرداخته شده است.

در جلد هفدهم، که وقایع سال‌های 1973 تا 1982 را دربردارد، و نیز در جلد ده‌سال‌نامه 1983 تا 1992 اوضاع یهودیان در ایران چنین گزارش شده است:

رابطه دوستانه ایران با دولت اسرائیل و تلاش‌های شاه ایران برای صلح به خاطر مخالفت‌های روزافزون در سال 1978 م / 1356 ش و با پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه 1979 م / بهمن 1357 ش به رهبری آیت‌الله خمینی پایان یافت. دولت جدید صادرات نفت را به اسرائیل متوقف کرد. فعالیت‌های تبلیغی اسرائیل در تهران قطع شد. دولت جدید ایران به‌شدت با امضای معاهده صلح بین اسرائیل و مصر مخالف بود و رابطه خود را با مصر قطع کرد. صدها تن از یهودیان از ایران کوچیدند و برخی به اسرائیل و بیشتر آنان به ایالات متحده و اروپا رفتند.

در سال 1978 م / 1356 ش حدود هشتاد هزار یهودی در ایران می‌زیستند که از این تعداد، شصت‌هزار نفر در تهران، هشت‌هزار نفر در شیراز، سه‌هزار نفر در اصفهان و هزار و پانصد نفر در کرمانشاه و دوهزار نفر در شهرک‌های خوزستان ساکن بودند. ایشان از نظر فرهنگی، اقتصادی و حرفه‌ای اهمیت داشتند. ده‌درصد از ایشان بسیار ثروتمند بودند، ده‌درصد بسیار فقیر بودند و وضع اقتصادی بقیه ایشان رضایت‌بخش بود. شش‌درصد از جمعیت ده‌هزار نفری پزشکان ایران و نیز چهاردرصد از دانش‌آموزان و دو درصد از دانشگاهیان یهودی بودند. در سال 1979 م آیت‌الله خمینی اعلام کرد که یهودیان ایران اگر طرفدار صهیونیسم و اسرائیل نباشند در امان‌اند.

بسیاری از یهودیان ایران در سال‌های آغازین دهه 1980 کوچ کردند. اکنون [در سال 1992 / 1370] جمعیت یهودی ایران حدود بیست و پنج هزار نفر است که اکثراً در تهران ساکن‌اند.

پارس (13: 302-319) (PERSIA)

در این مدخل گسترده، به اوضاع پارس از دوران دیرین تا زمان نامگذاری آن به ایران پرداخته شده است. ابتدا تاریخچه و سابقه پارس بیان شده، از کوروش و نقش وی در آزادی یهودیان سخن به میان آمده، و در ادامه به مطالب زیر اشاره شده است: پارس در پیش از دوران اسلامی؛ شش قرن نخست تحت حکومت خلفا (642-1258 م)؛ در کومت‌خان‌خانی (1258-1336 م)؛ در حکومت صفویه (1502-1736 م)؛ در حکومت قاجاریه (1794-1925 م)؛ در حکومت پهلوی.

کوروش (5: 1148-1186) (CYRUS)

پادشاه پارس در 559 تا 529 ق.م. کوروش در تاریخ بنی‌اسرائیل جایگاهی ویژه دارد. از وی در کتاب عزرا و در کتاب دانیال (1: 21؛ 6: 29؛ 10: 1) یاد شده است. در این عبارتها بیان شده که وی یهودیان را از اسارت بابلی (در 538 ق.م) آزاد کرد و به ایشان اجازه بازگشت به صهیون را صادر کرد و در جهت بازسازی معبد کوشید.

در کتاب اشعیا امیدهای این نبی چنین بیان شده است: «خداوند به مسیح خویش، یعنی به کوروش، که دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم، تا درها را

به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود، چنین می‌گویند که من پیش روی تو خواهم خرامید و جای‌های ناهموار را هموار خواهم ساخت. . . هنگامی که مرا نشناختی، ترا به اسمت خواندم و ملقب ساختم. . . (اشعیا، 45: 1-13).

در آخر، دیدگاه اگادا درباره کوروش بیان شده است.

شاه عباس اول (38-39: 2) ABBAS I

یهودیان در طی سلطنت شاه عباس اول، پادشاه ایران در سال 1588 تا 1629م از لطف وی، که نسبت به غیرمسلمانان آسان‌گیر بود، برخوردار بودند. در زمان حمله وی به گرجستان، یهودیان او را یاری دادند و او برای قدردانی از کمک ایشان، اجازه داد تا یهودیان جامعه‌ای جدید را در فرح‌آباد [خزرآباد فعلی]، در کنار دریای خزر، بنا کنند. وی نخستین حاکم مسلمان ایران بود که به کتاب مقدس عبری علاقه نشان داد. در بخش دوم حکومت وی، به دلیل تحریک یهودیان تازه مسلمان، رفتار وی با یهودیان بد شد و یهودیان اصفهان مجبور به پذیرش اسلام شدند.

در مدخل‌های اصفهان ISFAHAN، مشهد MESHED، کردستان

KURDISTAN، ادبیات یهودی - فارسی JUDEO - PERSIAN، و . . . می‌توان اطلاعاتی درباره ایران به دست آورد.

پی‌نوشت‌ها:

Hasidism (1)

(2) ییدیش Yiddish زبان یهودیان اروپایی است که عمدتاً از آلمانی مشتق شده است.

J. D. Eisenstein (3)

inJacob Klatzk (4)

Ismar Elbogen (5)

Nahum Goldmann (6)

Georg Herlitz (7)

Bruno Kirshner (8)

Isaac Landman (9)

Massada Publishing Company (10)

Peli (11)

Benzion Netanyahu (12)

Cecil Roth (13)

Geoffrey Wigoder (14)

Louis Rabinowitz (15)

- Raphael Posner (16)
- Binyamin Eliva (17)
- Simha Katz (18)
- Fredrick Lackman (19)
- Yitzhak Rischin (20)
- .Keter Publishing House Ltd (21)
- .Israel Program for Scientific Translations Ltd (22)
- Deed Sea Scrolls (23)
- Judean Desert (24)
- Cairo Genizah (25)
- Solomon Schechter (26)
- geonic period : گائون به معنای «عالیجناب» لقب دانشمندان یهود از پایان قرن ششم تا میانه قرن یازدهم میلادی است. (27)
- Judeo-Arabic school (28)
- Gershom Scholem (29)
- Rabbinics (30)
- racial anti-Semitism (31)
- Holocaust (32)
- Abram Games (33)
- Academy of the Hebrew Language (34)
- Webster,s New International Dictionany (35)
- (36)
- (37)
- جلد دوم، صص 4-9; و نیز در سایر مدخل‌ها. (38)
- در ترجمه آیات، در این نوشته، از ترجمه محمدمهدی فولادوند استفاده شده است. (39)
- midrash (40)
- در کتاب مقدس، ساخت گوساله به هارون منتسب است (سفر خروج، 32: 1-5). (41)
- administrator (42)
- تعبیر قرآن مربوط به پس از تولد عیسی است. (43)
- Speyer (44)

45 Jubilees : پنجاهه‌ها; از کتاب‌های سوداپیگرافی عهد قدیم.

46 Targum Onkelos

47 در گزارش تورات، مار حوا را وسوسه کرد (پیدایش، 3: 1-5).

48 در متن پس از کلمه همسر علامت تعجب (!) قرار دارد. در کتاب مقدس این عمل به دختر فرعون منتسب است. در قرآن آمده است که آل فرعون موسی را از آب گرفت، و به همسر وی اشاره نشده است.

49 پیدایش، 28.

50 مطابق تورات، هارون برادر موسی این گوساله را می‌سازد.

51 مراد داستان همراهی موسی با خضر است. در ابتدای آیات از مردی «جوان» که همراه موسی بوده است یاد می‌شود.

52 ترجمه آیه‌های فوق چنین است: «[سلیمان] گفت: «واقعا من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت شد. «گفت: «اسب‌ها] را نزد من باز آرید. « پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا].

53 این آیه درباره لقمان است.

54 طبق این باور، اسلام و مسیحیت دو دینی‌اند که منشا یهودی دارند، و این البته با اعتقاد مسلمانان که اسلام را دینی آسمانی می‌دانند، سازگار نیست.

55 متن مبهم است و ظاهراً مقصود نویسنده، داستان‌هایی است که عرفای مسلمان به انبیا و زهاد بنی‌اسرائیل نسبت می‌دادند.

56 Karaites (قرائیم): فرقه‌ای یهودی در قرن هشتم میلادی که تفاسیر حاخامی و تلمود را نمی‌پذیرفتند.

57 Rabbanite